

قراردادهای ویژه رنگ در نمایش آیینی تعزیز

لیلا تقیوی

کارشناس ارشد ادبیات نمایشی
آموزش و پژوهش ناحیه ۳ شیراز

چکیده

رنگ در تعزیز به راحتی اشخاص را از نظر دیداری به دو دسته اشقیا و اولیا تقسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که قراردادهای ویژه رنگ در این گونه نمایش مشخص و تغییرناپذیرند و در نتیجه نمایشگران با ورود هر یک از اشخاص بازی به صحنه یا محل اجرا بالا فاصله از طریق رنگ لباس یا رنگ ملزومات دیگر فرد، موفق به بازناسایی شخص بازیگر می‌شوند و طبیعت او را می‌شناسند؛ زیرا می‌دانند که اشقیا همه سرخ می‌پوشند و اولیا سبز، سفید، سیاه، زرد یا آبی. در این تحقیق توصیفی، از رنگ به عنوان ابزاری برای تحلیل نمایش سنتی تعزیز با کارکردهای فلسفی - ایدئولوژی و جامعه‌شناسی و هنری با مقایه نمادی بهره‌برداری می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تعزیز، قراردادهای هنری، رنگ، اولیا، اشقیا.





بزرگ‌ترین تعزیه کشور با حضور ۵۰۰ نفر عوامل اجرایی و نمایشی در روستای
صحراورد فسا در استان فارس - منبع: پایگاه خبری تحلیلی صراط

عزاداری در زمان قاجار در تکیه دولت/ این بنا در ضلع جنوب شرقی با غلستان و در جنوب غربی شمس العماره قرار داشت که قبل از محل آن، اتار دولتی از شهر مستقر بود.

حضور اسب در تعزیه



ثانیاً: رنگ‌ها در سنت‌های مختلف تئاتری در جهان، معنی نمادین و ویژه‌ای یافته‌اند که از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت است (هرچند معانی مشترکی نیز ممکن است در میان آن‌ها وجود داشته باشد) و ثالثاً: پاره‌ای از رنگ‌ها، برای دست یافتن به واکنش‌های عاطفی بهخصوصی به شکل استاندارد، در دنیای تئاتر پذیرفته شده‌اند و تنها شکل‌های سنتی نمایش هنوز به قراردادهای خاص خود در زمینه رنگ پایبندند. در نمایش‌های ایرانی هم، رنگ‌ها مفاهیم خاص خود را دارند و بر طبق قراردادهای ویژه‌ای به کار می‌روند، که تعزیه از همین نوع است و قراردادهای خاص خود را دارد.

رنگ سبز

سبز رنگ اولیا، نیکان و اسلام و متضمن عالی ترین معانی عرفانی است؛ نمادی از حادوادنگی که صورتش را از سر سبزی عالم طبیعت گرفته و معنایش را از عالم معانی و نامحسوس و نشانه‌ای از رستاخیز و صعود روحانی به عالم بالاست. در تعزیه، علم‌ها و بیرق‌های اردوگاه امام سبزند و در رزمگاه در دستان سردارانی همچون حضرت عباس (ع) قرار می‌گیرند. شاخه‌های سبز نشانی از بهشت دارند. شال و عمامة سبز امام حسین (ع) و قبای ابریشمی شانه زری و سبز رنگ پیامبران و ائمه (ع) از آن جمله‌اند. لباس سبز امام حسن (ع) معنای دوگانه دارد: هم در بردازندۀ مفاهیم ذکر شده برای رنگ سبز است و هم نشانه مسموم شدن آن حضرت با زهر سبز. در آرایش صحنه‌های تعزیه

تعزیه

به مراسم نمایشی که برای خاندان پیامبر اسلام و به طور خاص، واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) برگزار می‌شود، تعزیه می‌گویند. بیضایی تعزیه را چنین تعریف می‌کند: «شبیه گردانی» یا «شبیه‌خوانی» یا «تعزیه» نمایشی بوده است، در اصل بر پایه قصه‌ها و روایات مربوط به زندگی که برای امام حسین و خاندانش پیش آمد» (بیضایی، ۱۳۷۹: ۱۱۳-۱۱۴).

تاریخ دقیق شروع تعزیه به شکل و فرم امروزی در دست نیست؛ چون تعزیه تحولاتی را پشت سر گذاشته تا به ساختار امروزی رسیده است. شروع کار دسته‌های عزاداری به شکل راهپیمایی را از زمان آل بویه می‌دانند. گفته شده است که ارج و اهمیتی که شاهان صفوی برای شیعه و امامان آن قائل می‌شوند بر رشد آن می‌افزاید و در دوران قاجار و سلطنت فتحعلی‌شاه به اوج خود می‌رسد و شاکله اصلی آن به اجرا در می‌آید.

در نمایش‌های ایرانی هم، رنگ‌ها مفاهیم خاص خود را دارند و بر طبق قراردادهای ویژه‌ای به کار می‌روند، که تعزیه از همین نوع است و قراردادهای خاص خود را دارد.

قراردادهای ویژه رنگ در نمایش

از جمله عناصر بصری تئاتر، که در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف معانی متنوعی یافته، رنگ است. به کوئنایی که یک رنگ مشخص گاه در شرق و غرب معانی متضادی دارد.

اما آنچه در تئاتر اهمیت دارد، توافق کلی در مورد استفاده از رنگ‌ها در صحنه‌های نمایش است. زیرا تاکنون ثابت شده است که، اولاً: رنگ‌ها تأثیرات روانی، عاطفی و عقلانی خاصی بر جای می‌گذارند.



تکیه حسینی اعظم ارمناخانه شهر زنجان

در میان آرایه‌های
صحنه علم‌های
سیاه و بیرق‌های
سیاه بشیر و نذیر
دیده می‌شود. خیمه
اولیا هم سیاه یا
نیلی است

آینه‌های سوگواری شاید به نشانه نوید رجعت باشد. در سوگ پهلوانان احتمالاً استتار جاودانگی معنا می‌دهد» (کیا، ۱۳۷۵: ۱۹۳). همچنین در مذهب شیعه، سیاه لباس عزاداری است و شیعیان پس از فاجعه کربلا برای همیشه خود را عزادار می‌دانند. بنابراین، پوشیدن لباس سیاه سنتی ملی - مذهبی تلقی می‌شود. در تعزیه، سیاه رنگ مخصوص اولیا و مؤالفخوانان است. بخش‌هایی از لباس اولیا می‌تواند سیاه باشد؛ مانند عبا، شال یا عمامه امام، اما در مورد زنان مؤالف تمامی لباس، یعنی پیراهن سرتاسری و بلند، مقننه و روینده، سیاه است. همین طور کودکان اعم از دخترچه یا پسرچه لباس بلند و مشکی به تن می‌کنند. لباس زعفر جنی هم سیاه (یا نیلی) است. در میان آرایه‌های صحنه علم‌های سیاه و بیرق‌های سیاه بشیر و نذیر دیده می‌شود. خیمه اولیا هم سیاه یا نیلی است. برای اشقيا هم از اسباب سیاه یا ابلق استفاده می‌شود. « جدا از تعزیه، سنت پوشیدن سیاه در مرگ سیاوهوش را در اساطیر آورده‌اند» (کرتیس، ۱۳۷۳: ۹۵).

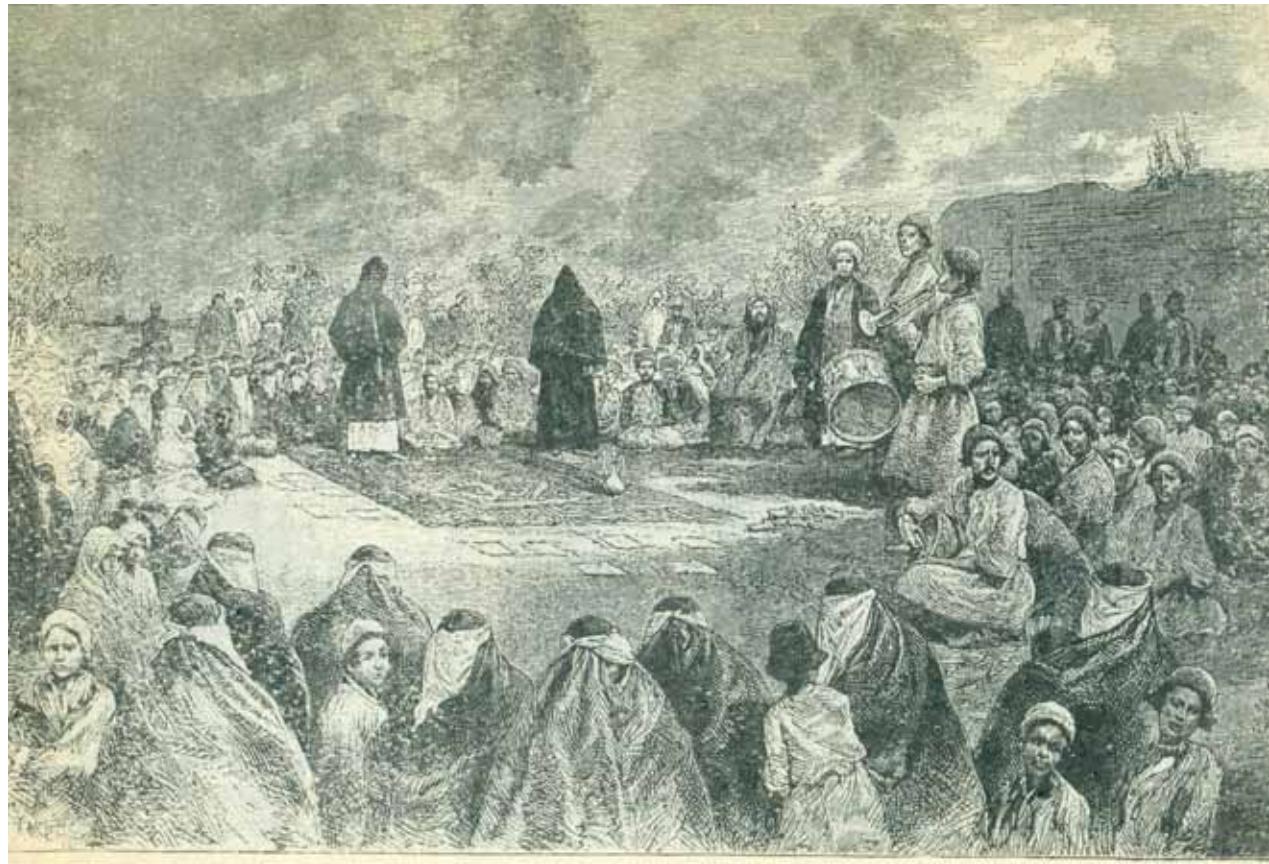
هم خیمه سبز مخصوص امام است. امام خوان هیچ گاه در تعزیه با کلاه‌خود وارد نمی‌شود و همواره عمامة سبزرنگ دارد.

رنگ سفید

اتصال رنگ سفید به نیروی درونی، روحی و الهی است. در تعزیه، لباس اولیا و مؤالفخوانان می‌تواند سفید باشد. قبای امام (ع)، لباس جنگجویان مؤالف و گاه لباس ملاتکه و جبریل سفید است. حر پس از پیوستن به اردگاه امام، پر سفیدی بر کلاهش می‌گذارد. رزمندگان و شهدای کربلا پیش از حضور در میدان رزم و شهادت کفن سفیدی به تن می‌کرند. لباس مسلم خوان نیز به این دلیل که سفیر امام حسین (ع) است، به رنگ سفید انتخاب شده است.

رنگ سیاه

«رنگ سیاه ریشه عمیقی در فرهنگ باستانی ایران دارد. در تعابیر مختلف از نشانه‌های باز زمین و به آینه‌های مادر زمین و باروری بازمی‌گردد. رنگ سیاه با عالم مردگان نیز نسبت دارد و در



مجلس تعزیه در دوره قاجار (بعد از ۱۲۲۷ شمسی)

رنگ آبی

آبی نماد الهام، ایشار، صلح و آرامش و ایمان و معنویت است؛ تا اعماق روان و روح آدمی نفوذ می‌کند و او را به عالم بالا فرامی‌خواهد. از رنگ‌های ویرژه اهل بیت است که با نوعی ملایمت و عمق، ریشه در رنگ‌های طبیعی مانند آسمان و دریا دارد. در تعزیه، رنگ آبی تقریباً مختص به پوشش حضرت عباس (ع) است و با معنای دریادلی و از خودگذشتگی در ایشان گره خورده است. از سویی، به‌گونه‌ای یادآور سقایی او در صحنهٔ کربلاست. آبی روشن در لباس ملائکه و نیلی در لباس زعفر جنی دار رنگ خیمه‌های اولیا دیده می‌شود.



رنگ زرد

زرد در معانی متعددی مانند قناعت و خرسندی، درخشندگی و دانش به کار رفته است. در تعزیه، زرد رنگ اختصاصی حر است و لباس زرد او نمادی است از تردید، پریشان حالی و زیان‌کاری، اما هنگامی که توبه می‌کند و به سپاه امام ملحق می‌شود، تنها با تغییر رنگ پری که بر کلاه دارد، این تحول را نشان می‌دهد. گاه امام و اولیا نعلین زردی بر پا می‌کرند. از منظر نمایش، کاهی که بر زمین ریخته می‌شود و زبان هنگام عزاداری بر سر و روی می‌پاشند، سطح سکوی تعزیه را زرد رنگ می‌کند و ضمن ایجاد تنوع رنگی، به‌گونه‌ای نمادین خشکی و زمختی فضای بیشتر جلوه می‌دهد و با مفهوم بی‌آبی در اردوگاه امام همخوانی دارد.



برگ‌ترین تعزیه کشور در روستای صحراورد فسا در استان فارس

رنگ قرمز

رنگ قرمز نهایت برافروختگی و انرژی درونی را ظاهر می‌سازد و نماد زندگی، قدرت هیجان و شورش انقلابی و نشاط است. در تعزیه، سرخ رنگ اشقيا و مخالف خوانان است. شمر از پر کلاه تا چکمه یکسره سرخ می‌پوشد. لباس زنان و جنگجویان اشقيا، بيرق، پر کلاه، بازوپند و گاه سربندشان سرخ است. حتی در صحنه‌آرایی کاخ‌های اشقيا مانند دارالخلافة شام و دارالامارة عبیدالله از بيرق‌ها و كتيبة‌های سرخ استفاده می‌کنند. شیطان یکسره سرخ پوش است و حتی صورتش را سرخ یا گلی می‌کنند. گاه سربازان اولیا پیشانی بند سرخ به نشانه شهادت طلبی بر سر می‌بندند و با این رنگ برای نشان دادن جراحت بر روی صورت یا کفن لکه‌های خون ايجاد می‌کنند.

نتيجه

هنر والاي «شبیه‌خوانی» افزون بر جنبه‌های اعتقادی و عاطفی، جلوه‌های تصویری و حرکات نمایشی چشمگیری دارد. تعزیه و شبیه‌خوانی از نظر شخصیت‌پردازی، تیپ‌شناسی، لباس، رنگ، صحنه‌آرایی، زیبایی‌شناسی گفتاری و کردباری، ظهور و بروز عواطف و احساسات انسانی در قالب گل‌واژه‌های کلامی و گل چرخ‌های رفتاری و بهره‌گیری از ظرایف و دقایق نمایش‌های «آیینی- مذهبی» (شيعی)- نمایش ویژه‌ای است. در تعزیه، مكان از طریق رنگ بيرق‌ها، خیمه‌ها و تزیینات به راحتی معرفی می‌شود. بيرق‌ها، خیمه‌ها و تزیینات سرخ رنگ نشان دهنده اردوگاه اشقيا، دارالخلافة شام و دارالامارة عبیدالله‌اند. بيرق‌ها و خیمه‌های سبز و سیاه و نیلی نشان دهنده اردوگاه اولیا و رنگ سبز شاخه‌ها نخلستان را نشان می‌دهد. غنای رنگ در نمایش‌های ايراني انکارناپذير است. سخن آخر اينكه فضای تعزیه آكende از رنگ‌هاست و غنای رنگ در اين نمایش انکارناپذير است؛ به گونه‌ای که قراردادهای خاص خود را می‌طلبند.



آين تعزیه‌خوانی در روستاي حصار قزوين / عکاس: سيد حسین ميركمالي



مجلس تعزیه در صحن امامزاده حسين(ع) شهر قزوين



هنر والاي
«شبیه‌خوانی»
افزون بر جنبه‌های
اعتقادي و عاطفي،
جلوه‌های تصویري
و حرکات نمایشي
چشمگیری دارد

منابع

۱. بيشابي، بهرام. (۱۳۷۹). نمایش در ايران: با شصت تصویر و طرح و يك واژه‌نامه، چاپ دوم. تهران: نشر کاويان.
۲. جنتی عطائي، ابوالقاسم. (۱۳۳۳). بنیاد نمایش در ايران، چاپ دوم، تهران: نشر این سینما.
۳. کرييس، وستا. (۱۳۷۳). اسطوره‌های ايراني، ترجمة عباس مخمر، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۴. يي، خجسته. (۱۳۷۵). شاهنامه فردوسی و ترازدي آتنى، چاپ اول، تهران: شركت انتشارات علمي و فرهنگي.
۵. معين، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسي. جلد ۶، چاپ ۸. تهران: نشر اميرکبير.